



Preserving the Identity of the Offender and the Witness in the International Criminal System

Arham Hashempour^{*1}, Baharak Shahed²

1. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanity, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran.
(Corresponding Author)

2. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanity, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 43-55

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0003-4378-918X

TELL: +989143418299

Email: arhamhashempoor@gmail.com

Article history:

Received: 12 Nov 2023

Revised: 12 Dec 2023

Accepted: 17 Dec 2023

Published online: 22 Dec 2023

Keywords:

*Procedural Rules,
International Documents,
International Criminal Court,
Witness, Victim.*

ABSTRACT

In the international documents and the statute of the International Criminal Court, there are rules regarding the protection of the rights of witnesses and victims. This is important in the sense that the role of these people in the process of criminal proceedings is very important and important and is one of the important and necessary cases of judicial justice. Non-disclosure of the identity of the victim and the witness leads to suspicion. This article seeks to review and analyze these regulations in support of protecting the rights of victims and witnesses. As a result, in special circumstances, important crimes such as genocide, crimes against humanity and war crimes become more important. And on the other hand, these protections should be limited to a certain time in the proceedings.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article: Hashempour, A & Shahed, B (2023). "Preserving the Identity of the Offender and the Witness in the International Criminal System". *Journal of International Criminal Law*, 1(4): 43-55.



مقدمه

آیین دادرسی کیفری به‌عنوان بخشی از حقوق عمومی، وظیفه دارد ضمن نظام‌مند نمودن رسیدگی‌های کیفری، هدف این شاخه از حقوق را که همانا عدالت کیفری است، محقق سازد. وصول به عدالت کیفری منوط به آن است که بزه‌دیده یا شکایت‌کننده از ناحیه وی بتواند به دور از هر گونه تهدید و در کمال امنیت خاطر، شکایت خود را مطرح و پیگیری نماید. همچنین کلیه کسانی که حضور آنها در فرایند دادرسی به‌منظور کشف حقیقت ضروری است، باید به دور از هرگونه تهدید، در مرجع قضایی حضور یافته و قاضی را در یافتن واقعیت مساعدت نمایند.

ضرورتی که در بالا بیان شد، ایجاب می‌نماید بزه‌دیده و شاهد (اعم از شهود شاکی یا متهم) بدون دغدغه خاطر در فرایند دادرسی حضور یابند و نظام‌های تقنینی، قضایی و اجرایی، تأمین‌کننده امنیت آنها در مقابل مخاطرات جانی، مالی و حیثیتی باشد. لذا در دهه‌های اخیر موضوع حمایت از بزه‌دیده و شاهد در اسناد بین‌المللی به‌ویژه اساسنامه و قواعد دادرسی و ادله دادگاه‌های موردی (دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا) و دیگر دادگاه‌های موقت از جمله دادگاه ویژه سیرالئون، همچنین دیوان دائمی کیفری بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است.

شهادت شهود در تمامی نظام‌های حقوقی به‌عنوان یکی از مهمترین ادله اثبات جرم مطرح می‌باشد. توجه بیش از حد به ارزش اثباتی محتوای شهادت، پژوهشگران را از یکی از مهم‌ترین ارکان شهادت، یعنی حمایت از امنیت شاهد در فرایند دادرسی، مغفول ساخته است. شاهد که بار تحمل و ادای شهادت را بر عهده دارد، به‌ویژه در جرایم شدید و یا سازمان‌یافته همواره از ناحیه بزه‌کاران و یا همدستان آنها در معرض تهدید، آزار و اذیت جسمی و روانی است. ترس از تهدیدات مکرر در ایجاد خطرات جسمی و روحی که

به‌طور مستقیم شاهد را مورد هدف قرار می‌دهد، موجب عدم رغبت شهود به همکاری با دستگاه قضایی و درنتیجه، غالباً عدم کشف جرایمی است که جامعه بشری به‌منظور حفظ حقوق و آزادی‌های فردی و نظم عمومی نیاز مبرم به کشف و اثبات آنها دارد (مهدوی زرگر و اختر شهر، ۱۳۹۵: ۲).

در واقع، حمایت از شاهد، مجموعه اقدامات مالی، امنیتی، آموزشی و روان‌شناختی است که دستگاه عدالت کیفری برای مشارکت بیشتر شهود در فرایند دادرسی به‌کار می‌بندد. البته، این امر ممکن است با انتقاداتی همراه باشد. در نگاه اول، اجرای برخی از برنامه‌ها مانند مخفی ماندن هویت شهود و حمایت بیش از حد از وی در تعارض جدی با شماری از حقوق متهم از جمله حق پرسش از شهود و یا اصل تساوی سالیح‌ها در رسیدگی قرار می‌گیرد. امری که در عمل از طریق توسل به اقداماتی خاص می‌توان آن را به حداقل رسانیده و جهات دادرسی عادلانه را تا حدودی تضمین نمود (رتوفیان و حسن‌زاده، ۱۳۸۹: ۹۳).

۱- حقوق قربانیان در رویه کیفری بین‌الملل

بزه‌دیده شخصی است که به‌طور مستقیم از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان شده است. لذا بزه‌دیده می‌تواند شخصی حقیقی یا حقوقی باشد، ورود خسارت نیز باید به‌طور مستقیم ناشی از جرم باشد. به‌عبارت دیگر بزه‌دیده باید آماج مستقیم جرم باشد و خسارت به‌طور مستقیم متوجه او شود. توجه به این نکته لازم است که غالباً اشخاص دیگری غیر از بزه‌دیده نیز متحمل خسارت اعم از مادی یا معنوی می‌شوند، اما به آنها نمی‌توان عنوان بزه‌دیده داد. به‌عنوان مثال والدین کودکی که مورد آزار و اذیت جنسی قرار گرفته، از جرم ارتكابی متأثر می‌شوند و در واقع بزه‌دیده غیر مستقیم هستند، اما بزه‌دیده مستقیم همان کودک است. (رایجیان اصلی، ۱۳۸۱: ۳).

در مورد آنچه که به مفهوم «قربانی» مربوط می‌شود، اعلامیه مجمع عمومی ملل متحد در سال ۱۹۸۵ سهم مهمی دارد، مواد ۱ و ۲ این اعلامیه قربانیان را چنین تعریف کرده است:

۱. منظور از قربانیان اشخاصی هستند که به‌صورت فردی یا دسته جمعی، متحمل خسارت به‌ویژه صدمه به تمامیت جسمی یا روحی، زیان مادی یا آسیب شدید به حقوق اساسی خود، در اثر فعل یا ترک فعل ناشی از نقص قوانین کیفری شده‌اند.

۲. یک شخص ممکن است قربانی شناخته شود، فارغ از اینکه هویت مرتکب جرم، شناسایی و او تعقیب، دستگیر و مقصر اعلام شده باشد یا خیر و نسبت او با قربانی نیز اهمیتی ندارد. واژه قربانی، همچنین در صورت اقتضاء، قوم و خویش نزدیک قربانی یا اشخاصی را در بر می‌گیرد که با دخالت خود به‌منظور کمک به قربانیان در معرض خطر یا برای جلوگیری از قربانی شدن متحمل خسارت گردیده‌اند (حبیب‌زاده و همکاران، ۱۳۸۵: ۵).

اساسنامه و آیین‌نامه دادرسی دو دادگاه اختصاصی که چند سال بعد تشکیل شدند، همیشه یک معنای خیلی مضیق از قربانی را به کار می‌بردند، معنایی که محدود شده به هر شخص حقیقی که نسبت به او جرمی ارتکاب یافته که رسیدگی به آن در صلاحیت این دادگاه قرار دارد. یک مفهوم موسع از قربانی توسط پروفیسور وان بوون در گزارشی که با عنوان اصول اساسی و دستورالعمل‌های مربوط به حق بر جبران خسارت قربانیان نقض حقوق بشر و آزادی‌های اساسی به سازمان ملل متحد تقدیم گردید، ارائه شد که به‌ویژه خانواده را شامل می‌شود. اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری واژه قربانی را تعریف نمی‌کند. یک سمینار بین‌المللی راجع به حقوق قربانیان که در سال ۱۹۹۹ در پاریس برگزار شد، به‌منظور تدوین آیین‌نامه دادرسی معنای نزدیک به آنچه که توسط وان بوون ارائه شده است، از واژه قربانی پیشنهاد نمود: هر شخص

یا گروهی از اقشار اشخاص که به‌طور مستقیم و غیر مستقیم، به‌صورت فردی یا دسته جمعی، در اثر وقوع جنایاتی که رسیدگی به آن‌ها در صلاحیت این دادگاه است. متحمل خسارتی می‌گردد واژه «خسارت» تمام آسیب‌های جسمی یا روحی، هر نوع عذاب روحی، هر زیان مادی یا صدمه قابل توجه به حقوق اساسی را شامل می‌گردد. در صورت اقتضاء، سازمان‌ها یا نهادهایی که مستقیماً از جنایت زیان دیده‌اند می‌توانند «قربانی» قلمداد شوند. نوعی مصالحه در آیین‌نامه دادرسی و ادله دیوان (ماده ۸۵) دیده می‌شود:

الف) واژه «قربانی» شامل هر شخص حقیقی می‌شود که متحمل خسارتی ناشی از ارتکاب جنایتی شده است که رسیدگی به آن در صلاحیت این دادگاه قرار دارد. ب) واژه قربانی همچنین می‌تواند شامل هر سازمان با نهادی شود که به اموال اماکن و اشیای آن مانند اموالی که وقف مذهب، آموزش هنر، علوم یا احسان و خیرات شده یک بنای تاریخی، بیمارستان یا برخی اماکن و اشیای دیگری که در جهات بشردوستانه مورد استفاده‌اند، خسارت مستقیمی وارد شده باشد (حبیب‌زاده و همکاران، ۱۳۸۵: ۷).

۱-۱- طرح شکایت از سوی بزه‌دیده

در دادگاه‌های اختصاصی تنها دادستان برای طرح دعوا در دادگاه صلاحیت دارد و پیش‌بینی نشده است که قربانیان بتوانند نقشی در این امر ایفا کنند. برعکس به هنگام مذاکرات مربوط به اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری، اعمال فشار و تلاش‌های سازمان‌های حمایت از قربانیان و حقوق بشر از حمایت اکثر کشورهای دارای سنت حقوقی قاره‌ای اروپایی و گروه کشورهای هم‌فکر برخوردار گردید. این امر سرانجام به تصویب اساسنامه‌ای منجر شد که یک سری توانایی را به قربانیان عرضه می‌دارد، این توانایی‌ها در آیین دادرسی و ادله گسترش یافته است.

دادرسی در کشورهایی دارد که دارای نظام کیفری متأثر از سنت اروپایی هستند (حبیب‌زاده و همکاران، ۱۳۸۵: ۸).

۲-۱- نقش بزه‌دیده در روند دادرسی

بر اساس بند (ب) ماده ۶ اعلامیه ۱۹۸۵، اظهارات قربانیان بایستی در دادرسی کیفری مورد توجه قرار گیرد: «دادگاه‌ها ضمن فراهم کردن شرایطی در صدد رفع دغدغه‌های قربانیان، در مراحل دادرسی باشند و...».

اخيراً کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد با تصویب یک توصیه‌نامه راجع به ورود گروهی از قربانیان در دادرسی به‌منظور جبران خسارت و دریافت دسته‌جمعی غرامت برای گروهی از قربانیان، یک قدم فراتر رفته است. با وجود این آیین دادرسی دادگاه‌های اختصاصی هیچ نوع امکان دخالت قربانیان در نقشی غیر از نقش شهود دادرسی را پیش‌بینی نمی‌کند. این امر از سوی قربانیان و به‌ویژه سازمان‌های حامی بازماندگان و اقربای قربانیان جنایت نسل‌کشی روندا به‌عنوان خلأ قانونی جدی احساس شده است، در حالی که همین افراد می‌توانند در برابر دادگاه‌های داخلی و رواندا به‌عنوان مدعی خصوصی اقامه دعوا کرده و حتی دولت را به‌عنوان شخصی که از نظر مدنی مسئولیت دارد به دادگاه احضار نماید.

دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا به نوبه خود این مشکل را شناسایی کرده و سعی نموده است با اجازه دادن به نمایندگان برخی از انجمن‌های کمک به قربانیان یا کارشناسانی که به آن‌ها نزدیک هستند برای ورود در دعوا به‌عنوان «اشخاص غیر ذینفع» آن مشکل را برطرف نماید. از طرف دیگر دفتر دادگاه یک برنامه کمک به قربانیان تهیه کرده است که شامل صندوق پرداخت غرامت است. در سال ۲۰۰۱ میلادی، دادگاه‌های بین‌المللی کیفری برای رواندا و یوگسلاوی سابق در نظر داشتند آیین دادرسی خود را به‌منظور اجازه نمایندگی قربانیان و احتمالاً اعطای غرامت تغییر دهند. سرانجام تصمیم

ماده ۱۵ اساسنامه رم صریحاً پیش‌بینی می‌کند که دادستان دادگاه بین‌المللی، اهم اطلاعاتی را که دریافت می‌کند، بررسی کرده و به‌ویژه با سازمان‌های غیر دولتی همکاری می‌کند که قربانیان بتوانند در چارچوب یک آیین دادرسی مقدماتی حضور داشته باشند. این امکان حضور، در عین حال یک حق طرح دعوا در دادگاه به شمار نمی‌آید و نمی‌توان از شکل‌گیری مدعی خصوصی صحبت کرد. مع‌هذا این امر نسبت به سنت کاملاً آنکه آیین دادرسی دادگاه‌های اختصاصی را مشخص می‌کند، یک تحول واقعی محسوب می‌گردد. اساسنامه همچنین پیش‌بینی می‌کند که در صورت اعتراض نسبت به صلاحیت دادگاه یا قابلیت استماع کیفرخواست، این امکان به قربانیان داده شود که در مباحث و جریان دادرسی حضور داشته باشند. پیش‌نویس آیین دادرسی و ادله این اصل را مطرح می‌کند که دادستان باید قربانیان یا مشاور احتمالی آن‌ها را بلافاصله از تصمیمی که در مورد انجام تحقیقات انجام می‌گیرد باخبر سازد. او می‌تواند این کار را به‌صورت گروهی از طریق سازمان‌های حمایت از قربانیان انجام داده و از شاخه کمک به قربانیان و شهود دادگاه بین‌المللی کیفری کمک بگیرد. قربانیانی که بدین ترتیب مطلع می‌شوند، می‌توانند در مرحله اقامه دعوا در برابر دادگاه بدوی حاضر شده و نظرات خود را ابراز دارند، بدون اینکه اظهارنظر راجع به ماهیت دوام محدودیت داشته باشند. تصمیم دادگاه بدوی که غیر قابل تجدیدنظر است، به آنها ابلاغ می‌شود. هر نوع تصمیم دادستان مبنی بر عدم تعقیب نیز چنین است. در مقابل چنین تصمیمی تنها یک دولت یا شورای امنیت می‌تواند از دادگاه بدوی تقاضای تجدیدنظر کند، این دادگاه همچنین می‌تواند رأساً تصمیم دادستان را مورد تجدیدنظر قرار دهد. ماده ۱۰۷ آیین دادرسی و ادله پیش‌بینی می‌کند که در هر وضعیت دادگاه می‌تواند از قربانیان دعوت کند که نظرات خود را ابراز دارند. این امر می‌تواند در عمل به یک نوع آیین دادرسی منجر گردد که شباهت فراوانی به آیین

بر این شد که از آن صرف نظر شود، به‌ویژه به دلیل مسئولیت سنگینی که این امر می‌توانست برای دادگاه‌ها به دنبال داشته باشد. در ۱۲ اکتبر ۲۰۰۰، رئیس دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق، گزارش مفصلی راجع به مسئله پرداخت غرامت به قربانیان و حضور آن‌ها در جلسه دادرسی به دبیر کل سازمان ملل تقدیم کرد، این گزارش از ایجاد یک صندوق غرامت با ارجاع صریح به کمیسیون غرامت سازمان ملل متحد دفاع می‌کرد. چند هفته بعد نامه‌ای با همین مضمون توسط رئیس دادگاه بین‌المللی کیفری برای رواندا به دبیر کل سازمان ملل ارسال گردید.

اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری، به خوبی، جایگاهی را برای قربانیان نه تنها در مرحله رسیدگی مقدماتی بلکه به خصوص در مرحله رسیدگی ماهوی پیش‌بینی می‌کند. ماده اصلی مربوط به قربانیان، عبارت از ماده ۶۸ می‌باشد که عنوان آن با عبارت «حمایت از قربانیان و شهود و شرکت آن‌ها در دادرسی» ویژگی تاریخی آن را منعکس می‌کند (در پیش‌نویس اولیه تنها مفهوم حمایت گنجانده شده بود) بدین ترتیب، یک گشایش واقعی جهت ورود در دادرسی ایجاد شد.

هرگاه منافع شخصی قربانیان مطرح باشد، دادگاه اجازه می‌دهد که دادگاه‌ها و دغدغه‌های ایشان در هر مرحله از مراحل دادرسی که دادگاه مناسب تشخیص دهد و به شیوه‌ای که نه مضر و نه برخلاف دفاع و اقتضاعات یک دادرسی عادلانه و بی‌طرف باشد، ابراز و مورد بررسی قرار گیرد. طبق آیین دادرسی و ادله این دادگاه‌ها و دغدغه‌ها می‌تواند توسط نمایندگان قانونی قربانیان ابراز شود آنگاه که دادگاه آن را مناسب تشخیص دهد. خاطر نشان می‌کنیم که از نظر برخی از حقوقدانان طرفدار نظام آنگلو ساکسون، «منافع شخصی قربانیان» هیچ ارتباطی با موضوع محرومیت ندارد و تنها مثلاً به به حمایت از آن به‌عنوان شهود مربوط می‌شود.

آیین دادرسی و ادله مجدداً عناصری را که در اساسنامه گنجانده شده بود، توسعه داد و آیین دادرسی شدیداً متأثر از نظام قاره‌ای «اروپایی» به وجود آورد. مطابق این آیین نامه قربانیان می‌توانند به‌منظور (ورود) در دادرسی تقاضای ارائه دهند. در صورتی که درخواست کننده، بر اساس این آیین‌نامه واقعاً یک قربانی محسوب شود، تقاضای اصولاً از سوی دادگاه پذیرفته خواهد شد قربانیان می‌توانند به‌صورت فردی یا دسته جمعی به وکلا و یا سایر مشاوران نمایندگی دهند. این مشاوران و وکلا به جلسه دادرسی دعوت شده و از طرف دفتر دادگاه یک تصویر از مستندات دادرسی دریافت خواهند کرد.

با ماده ۹۱ آیین دادرسی و ادله ورود کامل می‌شود این ماده پیش‌بینی می‌کند که مشاوران قربانیان، اصولاً حق شرکت در جلسات دادرسی را خواهند داشت. تنها در شرایط استثنایی، دادگاه می‌تواند دخالت این مشاوران را به ارائه لوایح دفاع یا تودیع نتیجه‌گیری‌های خود محدود کند با این حال، آن‌ها می‌توانند از دادگاه بخواهند که از شهود خبره و متهم بازجویی نماید یا توسط رئیس دادگاه از ایشان سوالاتی بکند. این ماده مستقیماً از پیشنهادات همایش پاریس اقتباس گردیده است. در این مقرر ضرورت رعایت حق دفاع، به‌ویژه تحت فشارهای «سازمان‌های عفو بین‌المللی» یادآوری شده است. این سازمان در متنی که در یک نشست کمیسیون مقدماتی ارائه شده، نگرانی‌هایی راجع به این موضوع ابراز کرده است.

۳-۱- حفظ هویت بزه‌دیده در دادرسی

جمعی بودن ماهیت جرایم (جنایات) داخل در صلاحیت دادگاه‌های بین‌المللی شامل نسل‌کشی، جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت، موجب گردیده در اسناد این دادگاه‌ها، شاهد و بزه‌دیده در کنار یکدیگر قرار گرفته و از تمهیدات تقریباً یکسانی برخوردار شوند. یکی از این تمهیدات، کتمان هویت این دو و عدم اعلام آن به متهم است.

فراخوانده شوند و به‌وسیله ویدئوی مداربسته، بلکه همچنین در حضور یک شخص مورد اعتماد (روان‌شناس، عضوی از خانواده و ...) مورد بازجویی قرار گیرند.

در رسیدگی‌های دیوان کیفری بین‌المللی نیز اهمیت حفاظت از شهود قابل‌مشاهده است. این ضرورت بالاخص پس از اولین رسیدگی دیوان در وضعیت جمهوری دموکراتیک کنگو و چالش‌های نهاد دادستانی در استفاده از شهادت شهود بیشتر احساس گردید. در رسیدگی به وضعیت جمهوری دموکراتیک کنگو عملکرد ضعیف نهاد دادستانی در حفاظت از شهود منجر به آن گردید که امکان استفاده از این ابزار مفید در اثبات جرم آقای **توماس لوبانگا** استفاده بهینه نگردد.

به عبارت دیگر، دیوان بین‌المللی کیفری و به‌طور خاص نهاد دادستانی در استفاده از شهادت شهود ناموفق بود. در حقیقت، به آن اندازه که انتظار می‌رفت تا از شهادت شهود استفاده مؤثرتری انجام گیرد، این امر محقق نگردید. اساساً شهودی که در جریان رسیدگی به پرونده‌های مرتبط با جمهوری دموکراتیک کنگو توسط دیوان بین‌المللی کیفری احضار شدند، به سه دسته تقسیم می‌شدند: الف- کسانی که شهادت خود را مسترد نمودند؛ ب- کسانی که شهادت ساختگی داده بودند؛ و ج- کسانی که شهادت صحیح دادند (Sobhani, 2022: 126).

دادسرای دادگاه‌های بین‌المللی هیچ نوع نیروی پلیس خاصی را در اختیار ندارد، بنابراین حمایت از شهود در بیرون از دادگاه ممکن نیست مگر با همکاری کشورهای منطقه مربوطه یا دیگر کشورهایی که می‌خواهند از شهود، شاید با هویت دیگری، استقبال و از آنان حمایت کنند. این امر هنوز عملاً محقق نشده و در سال‌های اول، حفظ اسرار بازجویی گاهی رضایت‌بخش نبوده است. بسیاری از شهود (بالقوه) دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا به قتل رسیدند. علیرغم اینکه

در سال‌های اخیر استماع شهادت در دادگاه برای قربانی جرایم شدید کار بی‌زحمتی نیست. در سال‌های اخیر متوجه این واقعیت شده‌ایم که استماع شهادت، به‌ویژه هنگامی که جرم از نوع تجاوزات جنسی بوده و قربانی مستقیماً با متجاوز خود روبه‌رو می‌شود، می‌تواند عوارض روانی به دنبال داشته باشد. در دادرسی‌های مربوط به جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت، بسیاری از شهود، قربانی شکنجه رفتارهای غیر انسانی تجاوز بودند و این چیزی است که وضعیت مشابهی را به وجود می‌آورد. به همین دلیل اساسنامه هر دو دادگاه اختصاصی صریحاً پیش‌بینی کرده است که دادگاه می‌تواند به‌صورت غیر علنی در پشت درهای بسته تشکیل جلسه دهد. ماده ۷۵ آیین دادرسی دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق پیش‌بینی می‌کند که دادگاه می‌تواند به‌منظور حمایت از قربانیان و شهود اقدامات یا در زمان اجرای شهادت با توسل به وسایل مناسب، به‌ویژه با تجویز استفاده از یک تلویزیون مداربسته یک طرفه، اتخاذ نماید. اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری این تجربه را اقتباس کرده است. آیین دادرسی و ادله یک سری مقرراتی را در بر دارد که باید از تعامل روانی و زندگی خصوصی شهودی که قربانی تجاوزات جنسی شدن حمایت کند، لذا برای اینکه شهادت آنها معتبر تلقی شوند، نیازی به یک بازجویی رو در رو نیست.

در صورت تهدید یا وجود شرایط تهدیدآمیز، رضایت قربانی قابل ترتیب اثر نیست و از سکوت یا عدم مقاومت قربانی، رضایت وی نتیجه گرفته نمی‌شود. نمی‌توان از رفتار جنسی قربانی، قبل یا بعد از وقایع، به درستکاری، شرافتمندی یا تمایل جنسی وی پی برد. به علاوه بررسی و اثبات چنین وقایعی مجاز نیست. قطعاً وجود چنین مقرراتی بر شیوه بازجویی از شهود این‌گونه جرایم تأثیر خواهد گذاشت. بالاخره اینکه قربانیان، به‌ویژه قربانیان تجاوز جنسی ممکن است نه تنها پشت درهای بسته بدون اینکه به سالن استماع شهادت

دادستان دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا حق ندارد تصمیم بگیرد که یک شهادت، محرمانه باقی بماند؛ تنها دادگاه می‌تواند با برخی اقدامات حمایتی موافقت کند. اگر دادستان تقاضای اتخاذ اقدام حمایتی نکرده باشد، باید تمام پرونده را در یک مدت معقول و قبل از استماع شهود به اطلاع طرف مدافع برساند. در پرونده **باگازورا** شعبه دو دادگاه **آروشا** دستور داد اطلاعاتی که شهود در جریان تحقیق ارائه کرده‌اند، طی دو هفته توسط دادستان ارسال گردد (بنی‌اسدی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۵).

در دادگاه دائمی کیفری بین‌المللی ماده ۸۸ که در زمینه حمایت از شاهد است، مقرر داشته است که دادگاه می‌تواند هر نوع اقدامی را برای تسهیل شهادت افراد آسیب‌پذیر همانند اطفال، قربانیان خشونت جنسی و کسانی که شاهد آن بوده‌اند، برقرار سازد. این اقدامات می‌تواند از جمله شامل حضور خانواده شاهد یا یک روان‌پزشک، در زمان ادای شهادت باشد. بدین ترتیب، ماده مذکور به گونه‌ای تنظیم شده است که دادگاه بتواند در صورت لزوم و با توجه به اوضاع و احوال پرونده، دستورات مختلفی صادر کند.

دادستان، متهم و شاهد حق دارند از دادگاه، درخواست برقراری چنین اقداماتی را کنند؛ اما امکان تشکیل جلسه با حضور درخواست کننده و بدون اطلاع و حضور طرف دیگر، وجود دارد. بدیهی است که علت وضع ماده ۸۸، حمایت از شهودی است که ممکن است به علت ادای شهادت در معرض خطر انتقام قرار داشته باشد. به همین دلیل، اگر بنا باشد در جلسه‌ای که به‌منظور بررسی درخواست شاهد تشکیل شود، طرف دیگر دادرسی نیز حضور داشته باشد، ماده مطبوع اثر خود را از دست خواهد داد (سبحانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۴).

ممکن است این گونه استدلال شود که بند ۵ ماده ۶۸ اساسنامه، دادستان را تنها مجاز به عدم افشای اطلاعاتی کرده است که می‌تواند خطر بزرگی برای شاهد یا خانواده او محسوب شود و این اقدام تنها باید قبل از برگزاری جلسه محاکمه انجام شود. همچنین ماده ۷۶ قواعد دادرسی، دادستان را پیش از محاکمه، ملزم به افشای نام و اظهارات شهود کرده و ماده ۸۸ قواعد دادرسی صراحتاً اشاره‌ای به عدم افشای هویت شاهد نسبت به متهم نکرده است. همگی این موارد، دلالت دارند بر اینکه نمی‌توان هویت شاهد را از متهم مخفی نگه داشت؛ اما به این نکته می‌توان اشاره کرد که مواد فوق‌الذکر، منافاتی با حق دادگاه در برقراری اقدامات ویژه از جمله حمایت از هویت شاهد نسبت به متهم ندارد. همچنین در ماده ۸۸ صراحتاً مقرر شده است که اقدامات حمایتی به آنچه که در ماده آمده محدود نمی‌شود، بلکه دادگاه می‌تواند دستورات دیگری را صادر کند. همچنین دادگاه می‌تواند بدون حضور طرف دیگر دادرسی، درخواست ارائه شده را مورد بررسی قرار دهد که این خود می‌تواند استدلالی به نفع عدم افشای هویت شاهد باشد.

۲- حقوق شهود در رویه کیفری بین‌الملل

شاهد در لغت به معنی گواه، حاضر و کسی که امری یا واقعه‌ای را مشاهده کرده باشد، آمده است (معین/ذیل کلمه)؛ اما در اصطلاح حقوقی، تعریف واحدی از شاهد وجود ندارد و به همین جهت، در اسناد بین‌المللی هم تعریفی از شاهد وجود نداشته و نظام‌های حقوقی شهادت شهود از جمله مختلف در تعریف شاهد اختلاف نظر دارند. شهادت شهود از جمله ارکان اساسی در تحقیقات کیفری به شمار می‌روند، زیرا در بسیاری از موارد کشف حقیقت و صدور حکم عادلانه بدون معاضدت کسانی که خود در صحنه وقوع جرم حضور داشته و چگونگی ارتکاب آن را ملاحظه کرده و یا مطلبی را شنیده‌اند، میسر نیست. به همین دلیل، از شهود

از زمان تشکیل دادگاه‌های بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق و رواندا، مسائل مربوط به حمایت از شهود تشدید شده است. در واقع، شهادت در دادگاه تنها آثار سیاسی روانی نداشته و می‌تواند نتایج شدیدی برای متهم به همراه داشته باشد.

شهود همیشه حقیقت را نمی‌گویند. آن‌ها ممکن است از هر طرف فشارهایی را متحمل شوند؛ تحت‌تأثیر قرار گرفته یا از مقابله‌به‌مثل حتی نسبت به خانواده خود بترسند. آن‌ها همچنین ممکن است اشتباه کنند. بنابراین طبیعی است که اقتضائات مربوط به کیفیت شهادت در چارچوب یک تحقیق قضایی، دقیق‌تر و سخت‌تر از اقتضائات یک تحقیق در مورد وقایعی باشد که حداکثر ممکن است گزینه‌ای علیه یک دولت باشد (تقی‌پور، ۱۳۸۹: ۲۱). اکثر قوانین داخلی تضمین‌هایی را پیش‌بینی می‌کنند از قبیل ادای سوگند و مجازات‌های مربوط به سوگند دروغ، امکان طرف مدافع برای دسترسی به اطلاعات این موجود در پرونده در جریان تحقیق یا حداقل قبل از جلسه استماع، بازجویی از شهود به هنگام استماع شهادت یا درخواست از دادگاه مبنی بر بازجویی از آن‌ها. این ضمانت‌ها همچنین در ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی پیش‌بینی شده‌اند.

با این همه، شهود نیز حقوقی دارند که ممکن است احتمالاً با حقوق متهمان در تعارض قرار گیرد. به‌علاوه، اگر شهود قربانی باشند، آن‌ها حق بر کرامت انسانی و حمایت از امنیت و زندگی خصوصی خود را داشته و نباید تحت فشار قرار گیرند. این حقوق به هنگام تحقیق و استماع قربانیان به‌عنوان شاهد باید رعایت گردند.

به هنگام تأسیس دادگاه‌های کیفری یوگسلاوی سابق پیش‌بینی شده بود که آیین‌نامه دادرسی باید «حمایت از

به چشم و گوش دستگاه عدالت کیفری تعبیر شده است. اظهارات شهود معرفی‌شده توسط شاکی یا دادستان نقش بسیار مهمی در اثبات اتهام دارد. از آنجا که ممکن است شاهد در بیان حقایق و پاسخگویی به سؤالاتی که در دادگاه از او پرسیده می‌شود، دچار مشکل گردد و نتواند مطالب خود را به‌نحو مناسب بیان کند، طی فرآیندی که در نظام دادرسی اتهامی پیش‌بینی گردیده است، نماینده دادستان یا وکیل شاکی در خلال مرحله تحقیقات مقدماتی، جلسه یا جلساتی را به‌منظور آماده ساختن شاهد برای ادای شهادت در دادگاه برگزار می‌کند و در آن، دلایل شاهد مورد بررسی قرار می‌گیرد و وی با چگونگی طرح سؤالات در دادگاه آشنا می‌شود. هدف از این اقدام، افزایش تأثیر شهادت در اثبات جرم است (بنی‌اسدی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۲۸).

۲-۱- حفظ هویت شاهد در هنگام تحقیقات

اگرچه به استثنای شیوه‌های دادرسی که به دنبال جنگ جهانی دوم به‌وجود آمدند، تعقیب جنایات جنگی در دادگاه‌های بین‌المللی پدیده تازه‌ای است، این امر دلالت بر این ندارد که جامعه بین‌الملل به امر تحقیق درباره مواد نقض فاحش حقوق بین‌الملل بشر دوستانه توجه نکرده است. بدین ترتیب، پروتکل اول الحاقی ۱۹۹۷ یک سازوکار نظارت و کنترل، یعنی کمیسیون بین‌المللی تحقیق، تأسیس کرده است که با این حال، اساساً و در اکثر موارد بی‌تأثیر و بیهوده باقی مانده است. با وجود این، سازمان ملل متحد در چارچوب تحقیقات راجع به اجرای حقوق بشر، بیش از پیش در اوضاع و احوال جنگی تحقیقاتی را انجام داده است. به‌ویژه کمیسیون حقوق بشر و از سال ۱۹۹۳، کمیسر عالی حقوق بشر در جریان مخصصات متعدد تحقیقات میدانی توسط یک گزارشگر ویژه انجام داده‌اند.

اقداماتی باید با حقوق متهم بر یک دادرسی عادلانه مطابقت داشته باشد. شهود همچنین می‌توانند شخصاً تقاضای حمایت، از جمله تقاضای عدم افشای نام نمایند. بر اساس آیین‌نامه دیوان، آیین دادرسی خاصی پیش‌بینی شده است که در آن شاهد می‌تواند حضور داشته و در صورت مقتضی از طریق یک وکیل، نمایندگی شود. به هنگام یک چنین رسیدگی، حضور خود شاهد ممکن است به‌صورت گمنام انجام شود (آیین‌نامه دادرسی کیفری ماده، ۸۷ و ۸۸).

بر این اساس، هم در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و هم در قانون آیین دادرسی کیفری، مقرراتی دیده می‌شود که حکایت از این امر دارند که قلمرو حمایت از شهود محدود به نیازهای آن‌ها است. تمام عوامل عدالت کیفری از ابتدا تا انتها، باید در بدو ورود، نیازهای شهود را ارزیابی کرده و تمام نیازهای حمایتی آن‌ها را تا جایی که با حقوق متهم منافات نداشته باشد و امکانات یاری دهد، پاسخ دهند؛ بنابراین، حتی ممکن است چتر حمایت از شهود، از شخص شاهد گسترده‌تر شده و بستگان وی را نیز پوشش دهد (کاظمی و طهماسبی، ۱۳۹۰: ۳۴). برنامه‌های حمایتی از شهود به برنامه‌های روان‌شناختی، امنیتی و برنامه‌هایی در جهت مخفی ماندن هویت شهود تقسیم می‌گردند که البته هر یک از آنها ممکن است با توجه به نیاز و سایر شرایط، در مراحل پیش از دادرسی، حین فرآیند دادرسی و پس از دادرسی مورد استفاده قرار گیرند (مؤذن‌زادگان و رثوفیان، ۱۳۸۹: ۲۰۷).

حمایت از شهود در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی سابقه داشته است و دادگاه‌های بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق در لاهه و دادگاه بین‌المللی رواندا در آروشای تانزانیا از جمله محاکمی هستند که توسط شورای امنیت، با صلاحیت خاص و به‌صورت غیردائم، تأسیس شده‌اند. در تمام سال‌هایی که محاکم بین‌المللی شروع به فعالیت

قربانیان و شهود» را مد نظر داشته باشد و بدین ترتیب با آن‌ها به‌عنوان یک گروه واحد رفتار شود. ماده ۲۲ اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق پیش‌بینی می‌کند که آیین‌نامه دادرسی باید حمایت از شهود و قربانیان را در صورت اقتضا با حفظ هویت آن‌ها تضمین کند. این امر در آیین‌نامه دادرسی که توسط دادگاه فوق‌تهیه گردید، تدوین شده است. حتی قبل از آنکه موضوع احضار مطرح باشد، دادستان می‌تواند از دادگاه بخواهد که مطابق با ماده ۶۹ این آیین‌نامه، هویت برخی از شهود را فاش نکند در دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا نیز مقررات مشابهی اعمال می‌شود.

به علاوه، آیین‌نامه دادرسی که توسط دو دادگاه مذکور تهیه شده است، تأسیس «بخش کمک به قربانیان و شهود» را در دفتر دادگاه پیش‌بینی نموده است. این بخش نظرات خود را در مورد اقداماتی که لازم است در جهت تضمین امنیت شهود انجام شود ارائه داده و به قربانیان و شهود، به‌ویژه در مورد کسانی که قربانی جرایم خشونت‌آمیز و یا تجاوزات جنسی شده‌اند، کمک می‌کند و تصریح شده است که هنگام انتصاب پرسنل این بخش باید ضرورت استخدام و به‌کارگیری زنان برخوردار از تخصص لازم مورد توجه قرار گیرد. همچنین دادسرا به موضوع حمایت از شهود نه‌تنها با پیش‌بینی حمایت مادی، بلکه علاوه بر آن با پیش‌بینی همراهی یک پزشک و روان‌شناس، توجه ویژه‌ای مبذول داشته است. با توجه به استماع همزمان شهود توسط طرفین و تألمات عمیقی که قربانیان نسل‌کشی، کشتار و تجاوزات دسته‌جمعی متحمل شده‌اند، این موضوع در آیین دادرسی از نوع کامن‌لا یک امر لوکس و زینتی به حساب نمی‌آید.

هرگاه امنیت یک شاهد یا خانوادهاش در معرض تهدید باشد، دادستان می‌تواند برخی دلیل را جمع‌آوری کرده و تنها مهم‌ترین آن‌ها را ارسال نماید. هویت برخی از شهود ممکن است از پرونده حذف شود. با وجود این، چنین

۲-۲- حفظ اسرار شغلی شهود

آیین‌نامه دادرسی دادگاه‌های اختصاصی شامل یک سری مقرراتی است که به دادستان این اختیار را می‌دهد که محرمانه بودن اطلاعاتی را که توسط اشخاص ثالث تهیه و به اداره او ارسال گردیده است و همچنین شهادت افرادی را دادگاه نمی‌تواند آن‌ها را مجبور کند اسرار شغلی خود را فاش کنند، حفظ نماید. آیین‌نامه دادرسی و ادله دادگاه بین‌المللی کیفری در این مورد خیلی صریح بوده و ویژگی محرمانه بودن ارتباط بین یک شخص و روان‌پزشک، روان‌شناس و مشاورش یا کسی که نزد او به اعمال و رفتار خود اقرار نموده است را به رسمیت می‌شناسد.

در مورد کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، ضرورت حفظ محرمانه بودن برخی اطلاعات دقیقاً با بیم عدم دسترسی به قربانیان (محیط‌های زندان و غیره) مرتبط است. در یک رأی، دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق این حق را برای نمایندگان کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به رسمیت شناخت که اطلاعات مربوط به فعالیت‌های خود را ارائه نکنند. این آیین‌نامه دادرسی و ادله بین‌المللی کیفری همچنین شامل مقررات روشنی در مورد حمایت از اسرار شغلی همکاران کمیته بین‌المللی صلیب سرخ می‌باشد. هر نوع اطلاعاتی که همکاران کمیته در چارچوب فعالیت‌های خود به‌دست آورده‌اند، محرمانه است. لازمه این امر آن است که دادستان و دادگاه نتواند به هنگام ادای شهادت، افشای چنین اطلاعاتی را درخواست نمایند. با وجود این، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ خود می‌تواند از تعهد محرمانه بودن چشم‌پوشی کند و این امری است که می‌تواند موضوع یک توافق بین دادگاه و مؤسسه واقع شود.

نتیجه‌گیری

اندیشه و تفکر راجع به حقوق قربانیان و شهود در دهه‌های اخیر به‌طور اساسی تغییرات شگرفی داشته است. دادگاه‌های

کردند، شهود زیادی متحمل اقدامات تلافی‌جویانه‌ای شده‌اند و گاهی همکاری آن‌ها با تحقیق‌کنندگان بین‌المللی به قیمت جان آن‌ها تمام شده است. سازمان‌های غیردولتی که اطلاعاتی به گروه‌های تحقیق داده‌اند، تحت فشار قرار گرفته‌اند. بنابراین، نمی‌توان مسئولیت خود تحقیق‌کنندگان را بیش از حد مورد تأکید قرار داد؛ ایشان باید بیشترین احتیاط را نسبت به خطراتی که یک شهادت به دنبال دارد، به عمل آورند، حتی اگر خود شاهد این خطرات را مطرح نکند. شخصی که مورد بازجویی قرار می‌گیرد، باید بداند که اطلاعات او به چه چیزی کمک خواهد کرد. در واقع، بین اطلاعاتی که به‌صورت محرمانه داده می‌شود و اطلاعاتی که قابل انتشار است، تفاوت زیادی وجود دارد. این موضوع به همان اندازه که در برابر دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق مطرح شده بود، هنگام تهیه آیین‌نامه دادرسی و ادله دادگاه بین‌المللی کیفری نیز مطرح شده است (والین، ۱۳۸۵: ۴۸).

اساسنامه دادگاه یوگسلاوی در ۱۹۹۳ میلادی مورد تصویب قرار گرفت و ماده ۲۲ اساسنامه مذکور، دادگاه را مکلف به در نظر گرفتن تدابیر حمایتی از بزه‌دیدگان و شهود نموده و به مصادیقی از این حمایت‌ها از قبیل دادرسی غیرعلنی و یا مجموعه اقداماتی در راستای مخفی ماندن هویت شهود اشاره کرده است. قاعده ۶۵ آیین دادرسی و ادله دیگر سند حاکم بر این دادگاه‌ها نیز دادگاه را مکلف کرده است که در صورت نظر بر آزادی متهم، امنیت شهود و قربانیان را در نظر بگیرد. قاعده ۷۵ آیین دادرسی مزبور، به مجموعه اقداماتی در جهت حفاظت از بزه‌دیدگان و شهود اشاره نموده است. در همان قاعده به مواردی مانند استفاده از صدای جایگزین، تلویزیون مدار بسته و یا تصاویر جایگزین جهت عدم شناسایی هویت شهود تصریح شده است.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- بنی اسدی، زینب؛ امیریان، امین و حیدری، الهام (۱۴۰۰). «حفاظت از امنیت شهود در نظام کیفری ایران و دیوان کیفری بین‌المللی». *فصلنامه علمی مطالعات بین‌المللی پلیس*، ۱۳(۴۹): ۲۲۴-۲۴۵.

- تقی‌پور، علیرضا (۱۳۸۹). «محدودیت‌های حق پرسش متهم در قواعد دادرسی و رویه قضای دادگاه‌های کیفری بین‌المللی». *نشریه علمی-پژوهشی فقه و حقوق اسلامی*، ۲۳(۲): ۱۹-۲۳.

- حبیب زاده، توکل و جعفری، مجتبی (۱۳۸۵). «قربانیان و شهود در جنایات بین‌المللی: از حق حمایت تا حق بیان». *مجله حقوقی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری*، ۳۴: ۳۳-۵۶.

- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۱). *بزه‌دیده در فرایند کیفری*. تهران: خط سوم.

- رئوفیان، حمید و حسن‌زاده محمدی، ابوالفضل (۱۳۸۹). «حمایت از شهود در چالش با حقوق دفاعی متهم». *مجله حقوقی دادگستری*، ۷۴(۷۱): ۹۳-۱۰۹.

- سبحانی، محمدرضا؛ موسی زاده، رضا؛ شریفی طرازکوهی، حسین و منصوری، سعید (۱۳۹۹). «مفهوم و جایگاه صلاحدید در حقوق بین‌الملل». *مجله تحقیقات حقوقی بین‌المللی*، ۱۳(۴۷): ۱-۲۶.

- کاظمی، سید علی و طهماسبی، جواد (۱۳۹۰). «حمایت از شهود در لایحه آیین دادرسی کیفری». *فصلنامه علمی کارآگاه*، ۱۵(۴): ۲۳-۴۴.

اختصاصی و به‌دنبال آن دیوان کیفری بین‌المللی سازوکارهایی را برای حمایت از شهود و قربانیان ایجاد کرده‌اند که در اکثر نظام‌های داخلی وجود نداشت. این در حالی است که وضعیت حقوق قربانیان با نبودن چنین حمایت‌ها و حفاظت‌هایی در روند دادرسی کیفری در دادگاه‌ها مطلوب و رضایت‌بخش نیست. بین حقوق قربانیان و حقوق متهمان و شهود در دادگاه کیفری بین‌المللی سازش قابل قبولی به‌وجود آمده است.

حمایت و حفاظت از شهود یکی از پیچیده‌ترین و دشوارترین مسائل حقوق بین‌الملل بشر دوستانه می‌باشد، به‌ویژه در چارچوب دادرسی‌ها علیه اشخاصی که مرتکب نقض شدید و فاحش این حقوق است. نه حمایت از شهود و نه حق دفاع نمی‌تواند به‌عنوان یک اصل مطلق مورد توجه قرار گیرد. در هر وضعیت و موقعیتی خصوصاً در روند دادرسی جا دارد منافع شهود و قربانیان با منافع متهمان در حالت موازنه قرار بگیرد و در صورت تردید این توازن باید به نفع متهم از بین برود. در پایان می‌توان اظهار داشت که قواعد دادگاه کیفری بین‌الملل با دقت بیشتری با این مسائل برخورد کرده و در حد مطلوبی توانسته نسبت به ایجاد توازن بین این حقوق و حفظ حقوق شهود و قربانیان برقرار کند.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله به‌صورت مشترک توسط نویسندگان انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

ب. منابع انگلیسی

- Sobhani, M (2022). "Challenges of the International Criminal Court in Dealing with the Situation of Democratic Republic of the Congo: A Case Study of the Lubanga Case". *Forensic res Criminal Investigation*, 3(2): 110-125.

- مهدوی زرگر، سهند و اخترشهر، علی (۱۳۹۵). «حمایت از شهود در فرایند دادرسی با تأکید بر قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲». *همایش ملی علوم / سامی حقوق و مدیریت*، ۱-۱۳.

- مؤذن زادگان، حسنعلی و رئوفیان، حمید (۱۳۸۹). «حمایت از امنیت شهود در فرایند دادرسی کیفری». *فصلنامه دیدگاه حقوقی*، ۵۶: ۲۰۳-۲۲۶.

- والین، لوک (۱۳۸۵). «قربانیان و شهود در جنایات بین‌المللی: از حق حمایت تا حق بیان». ترجمه توکل حبیب‌زاده و مجتبی جعفری، *مجله حقوقی*، ۵۶: ۳۳-۳۴.